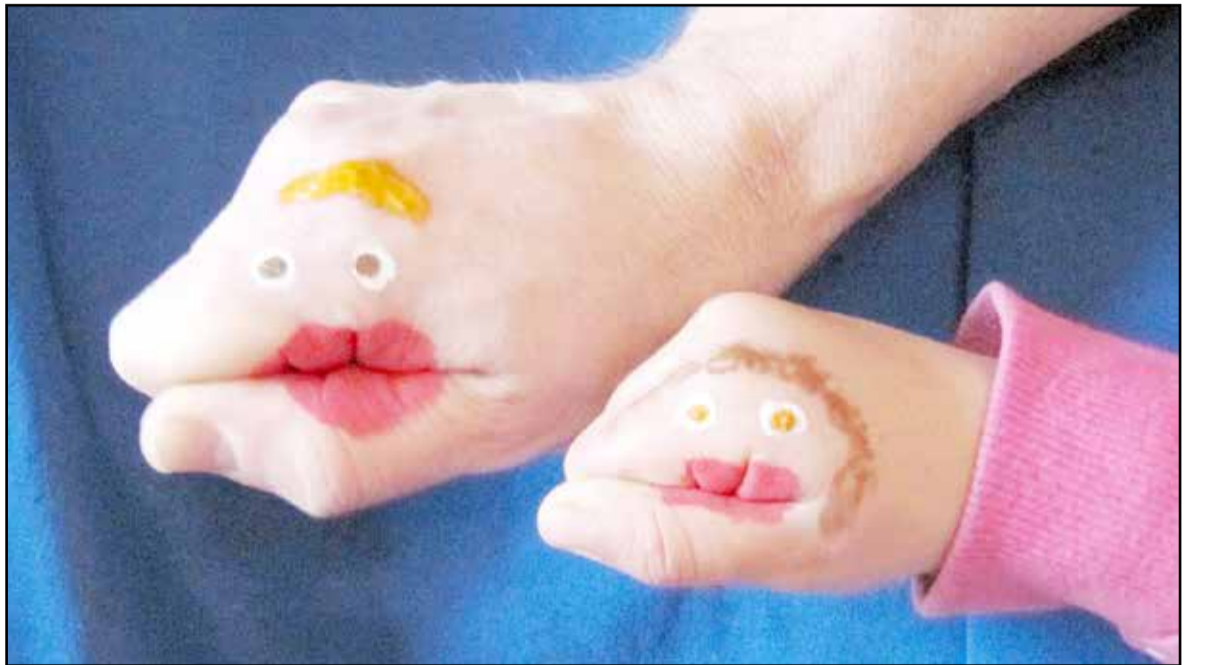


به بهانه «روز جهانی ناشنوایان»

داستان اشاراتی که فهم نمی شوند

اینجا «دسی بل»ها حقوق اجتماعی را تعریف می کنند



زینبانه جولایی

مشکلات آنها کمتر دیده شود. او اعتقاد دارد اینکه هنوز از تعداد ناشنوایان آمار دقیقی نداریم به این دلیل است که این قشر جدی گرفته نمی شوند و در نتیجه مسئولان نیازی ندیده اند که آمار دقیقی از ناشنوایان داشته باشند. بر اساس گفته‌های سلیمی به صورت تخمینی بیش از یک میلیون ناشنوا و کم‌شودا در میان دیگر معلولان ایرانی، گروه فراموش شده تری هستند، چون نه خودشان می‌توانند صدایشان را به گوش جامعه و مسئولان برسانند و نه خیلی‌ها حوصله شنیدن آنها را دارند. از طرفی، آنها انتقادشان را صریح و بدون تعارف زبانی معمول بیان می‌کنند که همین صراحت زیاد گاهی کار دستشان می‌دهد و باعث می‌شود عمدا نادیده گرفته شوند.

۲۲ میلیون کودک ناشنوای زیر ۱۵ سال در جهان

آمارهای جهانی هم می‌گویند حدود ۲۶۰ میلیون نفر در جهان دچار کم‌شنوایی شدید هستند و بروز کم‌شنوایی در نوزادانی که نارس متولد می‌شوند ۲ تا ۴ درصد هر هزار تولد است و از مجموع ۲۶۰ میلیون کم‌شنوا، ۲۲ میلیون نفر کودکان زیر ۱۵ سال و ۲۲۸ میلیون نفر افراد بالغ و سالمندان تشکیل می‌دهند. بر اساس تعاریف جهانی آسیب‌های شنوایی به پنج دسته به شرح زیر تقسیم می‌شود: «کم‌شنوایی خفیف» که افت شنوایی ۱۵ تا ۲۵ دسی بل است و اشکال و ایراد واضحی در این افراد دیده نمی‌شود. «کم‌شنوایی ملایم» که افت شنوایی ۲۵ تا ۴۰ دسی بل است و در ک صدای آهسته برای این گروه مشکل است. «کم‌شنوایی متوسط» که افت شنوایی ۴۰ تا ۷۰ دسی بل است

مثل همیشه آمار مسئولان متناقض است

آمارهایی که اسفند ۹۷ توسط محمد فرزادی، رئیس کمیته شنوایی کشور ارائه شد، حکایت از این دارد که در ایران ۵۲۰ هزار ناشنوا کم‌شنوایان زندگی می‌کنند و سالانه هزار و ۵۰۰ ناشنوای جدید هم در کشور متولد می‌شود؛ اما بسیاری از کارشناسان این حوزه معتقدند آمار دقیق و درستی از تعداد ناشنوایان ساکن در ایران در دست نیست و آمار ارائه شده توسط مسئولان کمتر از تعداد واقعی است. این که آمار دقیقی از ناشنوایان ایرانی نداریم، به خوبی نشان می‌دهد مشکلات این گروه از جامعه تا چه حد مغفول مانده است.

اکرم سلیمی، مدیر عامل انجمن خانواده ناشنوایان ایران عقیده دارد که چون ناشنوایان نمی‌توانند دغدغه‌هایشان را به شکل معمول مطرح کنند، همین موضوع باعث شده

یادداشت

نیو صدر

«هیچ چیز سر جایش نیست. من نباید اینجا باشم. من باید آن طرف اقیانوس الان در مدرسه باشم. در مقابل شما به ما جوان‌ها چشم امید دوخته‌اید. چطور رویتان می‌شود؟ مردم دارند جانشان را از دست می‌دهند. اکوسیستم‌ها یک‌جا در حال فروپاشی هستند. انقراض انبوه (گونه‌های زیستی) شروع شده و شما فقط می‌توانید از پول و رشد بی‌وقفه اقتصادی حرف بزنید. چطور رویتان می‌شود؟» این‌ها بخشی از حرف‌هایی است که چند روز پیش دختری ۱۶ ساله در سازمان ملل با غضب فریاد می‌زد. او از سیاستمداران می‌خواست به خاطر آینده خودش و هم‌سن‌هایش برای تغییر اقلیم کاری بکنند، اما این درخواست برای گرتا به شکل عجیبی گران تمام شد؛ رسانه‌های

مقصر ما هستیم نه گرتا تونبرگ

آمریکامثل فاکس نیوز مطالب مختلفی ضداو منتشر کردند، اینکه این دختر بچه قربانی یک «کودک آزاری» است، حرف‌هایش هیچ فایده‌ای ندارد، مشکل روانی دارد، خانواده‌اش او را مجبور به این کار کردند، سخنرانی‌اش شبیه یک نمایش بود و... تا جایی که این انتقادات به گوش کاربران فضای مجازی داخل ایران رسید و حتی برخی او را با آرات پسر فوتبال است ایرانی مقایسه کردند. برای این که مشخص شود، چقدر از این حرف‌ها درست است نگاه به زندگی گرتا تبیندازیم؛ او سال ۲۰۰۳ در سوئد متولد شد، مادرش نوازنده اپرا و پدرش هنرپیشه‌اند، در ۸ سالگی برای اولین بار با موضوع تغییر اقلیم آشنا شد و برایش این سوال پیش آمد که چرا آن را جدی نمی‌گیرند، ۳ سال بعد سندرم اسپرگر (یک نوع اختلال رشد عصبی است که با مشکلات قابل توجه در ارتباط بین

فردی و ارتباط غیر کلامی، مشخص می‌شود، که معمولاً به همراه علائق و رفتارهای وسواسی و تکراری است) رو بر او شد. اما نقطه عطف زندگی گرتا به سال ۲۰۱۸ برمی‌گردد زمانی که با گروهی از هم‌کلاسی‌هایش به دلیل اعتراض برای عدم اقدام برای تغییر اقلیم به مدرسه نرفته و اعتصاب کردند و کمپین «جمعه‌ها برای آینده» را راه‌اندازید. تا اینجا هیچ رسانه‌ای و هیچ فردی علیه تانبرگ مطلبی نوشت، اما امسال این اوضاع فرق کرد، اعتراضات نوجوان ۱۶ ساله به این قدرت رسید تا در اجلاس سالانه سازمان ملل به یک سخنرانی احساسی بپردازد سخنرانی که پیامدهای عجیبی برایش به همراه داشت، پیامدهایی که تونبرگ به ناحق با آن‌ها مواجه شده است. نگاهی ساده به زندگی این فعال محیط‌زیستی ۱۶ ساله نشان می‌دهد که خانواده‌اش هیچ نقشی در این قسمت از زندگی گرتا نداشتند، گر تانبرگ زمانی که با گروهی از جهانی‌اش آشنا شد خانواده‌اش را مجبور کرد تا به جنگ قربانی کودک آزاری هستند، اما به نظر می‌رسد در چندین موضوع مختلف تفاوت‌های زیادی بین این

شوند و از حمل‌ونقل هوایی استفاده نکنند، به طوری که مادرش که یک خواننده بین‌المللی اپرا بود مجبور شد به دلیل عدم استفاده از هواپیما شغل خودش را کنار بگذارد. همین موضوع ساده نشان می‌دهد که گر تانبرگ از خانواده‌اش را مجبور به تغییر کرده است نه برعکس! بعد از اینکه تونبرگ احساس کرد در این مسیر موفق شده یک جامعه کوچک به اسم خانواده‌اش را تغییر داده است، گر تانبرگ بزرگتری را انتخاب کرد تغییر جامعه بزرگتری به اسم مدرسه، به همین دلیل او برای مدتی به مدرسه نرفت، موضوعی که پدرش با آن موافق نبود. با این حال با جابجای هم‌دخترش راه‌مدرسه نرفته‌است؛ «ما به اعتراضات او احترام می‌گذاریم و می‌تواند در خانه نشسته و ناراحت باشد و یا به اعتراض برخاسته و احساس رضایت کند.» گروهی هم در فضای مجازی تونبرگ را با آرات پسر فوتبال است ایرانی مقایسه کردند و به نوعی مدعی شدند هر دو آن‌ها قربانی کودک آزاری هستند، اما به نظر می‌رسد در چندین موضوع مختلف تفاوت‌های زیادی بین این



حقوق‌شان شده است. از بی‌مهری‌هایی که به اکثر ناشنوایان می‌شود، باید به عدم توجه و رسیدگی نهادهای دولتی به آنها اشاره کرد. این قشر امکان استفاده از ساده‌ترین رسانه‌های شنیداری را ندارند. امکان استفاده از رادیو برای این گروه صفر است و در صدا و سیما هم بخش برنامه‌های تلویزیونی و اخبار بدون زیرنویس و یا وجود رابط شنوایی انجام می‌شود در حالی که ناشنوایان نیز همانند سایرین حق اطلاع از اخبار و بهر همدلی از برنامه‌های پر مخاطب را دارند.

از سوی دیگر نصب علائم هشدار دهنده و اعلام خطر در مکان‌های عمومی و اماکن خاص برای ناشنوایان از اقداماتی است که جای خالی‌اش به شدت دیده می‌شود و صرفاً به اعلام هشدارها و اطلاع‌رسانی‌های صوتی بسنده می‌شود. از دیگر موضوعاتی که آسیب‌پذیری معلولان را بالا می‌رود معابر شهری است. حوادث رانندگی همواره در کمین ناشنوایان نیستند و این قشر به محض خروج از خانه با تهدید سوانح رانندگی مواجه‌اند.

میزان ثبت نام و سواد در میان کودکان ناشنوا بسیار پایین‌تر از متوسط جمعیت عمومی است. بی‌سوادی و کم‌سوادی از مشکلات جدی در میان افراد ناشنوا به شمار می‌آید

غیره نیست و همه معلولان حق دارند از فرصت‌های برابر در جامعه برخوردار باشند. گرچه معلولیت یک ناتوانی جسمی است که به تبع آن موجب برخی مشکلات و سختی‌های برای فرد می‌شود، اما به هیچ وجه این ناتوانی جسمی را نباید به چشم محدودیت دید. اکثر قربان به اتفاق مشکلات معلولان تابع شرایط جامعه است از جمله بیکاری، مشکل مسکن، مشکلات معیشتی و ازدواج که مشکل بیشتر مردم به حساب می‌آید، اما این سختی‌ها برای معلولان بیشتر می‌شود.

متأسفانه در حال حاضر حقوق افراد ناشنوا به ویژه در کشورهای طبیعی ناشنوایان به شمار می‌آید. یک سوء تفاهم بسیار کلی این است که زبان اشاره جهانی بوده و در همه کشورها یکسان است. در واقع، زبان اشاره در هر

اینکه هنوز از تعداد ناشنوایان آمار دقیقی نداریم به این دلیل است که این قشر جدی گرفته نمی‌شوند و در نتیجه مسئولان نیازی ندیده‌اند که آمار دقیقی از ناشنوایان داشته باشند

کشور دقیقاً مانند زبان‌های دیگر مختص آن کشور است. هر زبان اشاره طبیعی که به وسیله جامعه ناشنوایان کشوری مورد استفاده قرار می‌گیرد، به عنوان بخشی از میراث فرهنگی، تاریخی و مذهبی آن کشور شناخته می‌شود. به منظور حفظ میراث کامل هر کشوری لازم است که به زبان اشاره آن احترام گذاشته شود. به رسمیت شناختن زبان اشاره همچنین راهی برای ارزش و احترام گذاشتن به میراث فرهنگی و زبانی هر کشور و به طور کلی نوع بشر است. میزان ثبت نام و سواد در میان کودکان ناشنوا بسیار پایین‌تر از متوسط جمعیت عمومی است. بی‌سوادی و کم‌سوادی از مشکلات جدی در میان افراد ناشنوا به حساب می‌آید. همانند همه کودکان، کودکان ناشنوا نیز باید دسترسی به آموزش برابر و با کیفیت داشته باشند. کودکان ناشنوا همان ظرفیت‌های برابر برای یادگیری و استفاده از زبان، همانند کودکان دیگر متولد شده‌اند؛ آنها می‌توانند و باید به توانایی‌های کامل خود از طریق برنامه‌های آموزشی با کیفیت دست پیدا کنند. کودکان ناشنوا خیلی خوب به زبان اشاره یاد می‌گیرند. یک رویکرد دو زبانه در بسیاری از کشورها در حال متداول شدن است. این معنا که زبان آموزشی در همه مباحث برای ناشنوایان زبان اشاره است. در عین حال، این زبان، تأکید جدی بر آموزش مهارت‌های خواندن و نوشتن زبان مورد استفاده در آن کشور یا جامعه دارد. این رویکرد یادگیری را تسهیل بخشیده است؛ چرا که این روش از یادگیری طبیعی و ارتباط با محیط طبیعی کودک ناشنوا حمایت می‌کند. آموزش و پرورش دو زبانه به خصوص در شمال اروپا و آمریکای شمالی گسترش یافته است. این شیوه آموزش نتایج قابل توجهی در زمینه افزایش میزان سواد و قوی‌تر شدن پایه زبانی کودکان ناشنوا دارد و راهی برای کسب موفقیت‌های بیشتر در طیف گسترده‌ای از موضوعات آموزشی و پرورشی برای آنان مهیما می‌کند. در پایان لازم به یادآوری است که برای احترام به حقوق معلولان باید نیازهای آنان شناسایی و تامین شود و نسبت به ایجاد امکانات برای آنان اقدامات گسترده صورت گیرد.

رئیس سازمان اورژانس کشور گفت: قلب خانم ۳۵ ساله از طریق اورژانس هوایی کشور از تبریز به تهران منتقل شد. این نهمین قلبی است که برای پیوند به صورت پروازی منتقل می‌شود. به گزارش ایرنا، پیر حسین کولیوند درباره انتقال نهمین قلب برای پیوند به صورت پروازی افزود: خانواده این خانم تبریزی که مرگ مغزی شده بود، قلب او را برای جان بخشیدن به بیمار نیازمند، اهدا کردند. قلب اهدا کننده، برای یک دختر ۱۲ ساله به بیمارستان شهید رجایی تهران توسط اورژانس هوایی منتقل شد. او ادامه داد: با هماهنگی انجام شده توسط سازمان اورژانس کشور، اداره پیوند وزارت بهداشت و آسپانه ریاست جمهوری، تیم مربوطه برای انجام عملیات انتقال قلب اهدایی ظهر روز گذشته ساعت ۱۲:۵۷ دقیقه از تهران به سمت تبریز پرواز کرده و ساعت ۱۳:۵۷ دقیقه عملیات جسداری قلب در بیمارستان امام رضاع) تبریز به تیم انتقال در فرودگاه تبریز تحویل داده شد و سپس تیم عملیات با پرواز جت فالکون به تهران رسید. کولیوند بیان کرد: با هماهنگی اورژانس تهران و تیم عملیات ویژه اورژانس، تیم عملیات انتقال قلب با بالگرد به بیمارستان شهید رجایی عزیمت کرد.

مرگ دردناک ۳ کودک سمنانی

فرمانده انتظامی استان سمنان گفت: فروریختن دیواری گلی و مخروبه در روستای کندو در سمنان، مرگ تلخ و دردناک ۳ پسر بچه را رقم زد. به گزارش ایبنا، سرهنگ عبدالله حسینی افزود: در پی کسب خبری به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر این که ۳ پسر بچه زیر آوار مانده‌اند، مأموران انتظامی برای بررسی صحنه در نگ به محل اعزام شدند. او ادامه داد: با حضور مأموران در صحنه و بررسی‌های اولیه مشخص شد ۳ پسر بچه (دو کودک ۹ ساله و دیگری ۱۱ ساله) مشغول بازی زیر دیواری گلی و مخروبه بودند که به علت فرسودگی، دیوار بر روی آنان فرو می‌ریزد و تلاش اهالی روستا و تیم‌های امدادی و اورژانس نیز برای نجات و احیای کودکان نتیجه نمی‌دهد.

از گوشه و کنار

۷۰ درصد دانشجویان دندان پزشکی با سهمیه جذب شده‌اند



عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با انتقاد از قانون سهمیه اعضای هیأت علمی گفت: بر اساس اطلاعات رسیده در سال گذشته حدود ۷۰ درصد از دانشجویان دندان پزشکی با سهمیه در دانشگاه‌ها پذیرفته شده‌اند. به گزارش فارس، بشیر خالقی، با بیان اینکه در حوزه انتقال غیرقانونی دانشجویان علوم پزشکی از خارج کشور به دانشگاه‌های کشور توضیح داد: متأسفانه در مواقعی مشاهده می‌کنیم که افرادی برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های نامعتبر برخی از کشورهای خارجی مراجعه می‌کنند و با دور زدن قانون با طی کردن دوره کوتاهی از تحصیل برای ادامه دادن تحصیل شان به داخل کشور منتقل می‌شوند. او با بیان اینکه بررسی‌های ما نشان می‌دهد برخی از این افراد فرزندان اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها هستند، گفت: در راستای مبارزه با این ظلمی که در حق دانشجویان مستعد صورت می‌گیرد لازم است وزارت علوم و وزارت بهداشت اقدامات مؤثری را انجام دهند. این نماینده مجلس با بیان اینکه این قانون باید از سوی مجلس و دولت مورد بازنگری قرار گیرد، تصریح کرد: بر اساس اطلاعات رسیده در سال گذشته حدود ۷۰ درصد از دانشجویان دندان پزشکی با سهمیه در دانشگاه‌ها پذیرفته شده‌اند که این موضوع نشان دهنده ضایع شدن حق دانشجویان مستعد دیگر است. خالقی با بیان اینکه افزایش ظرفیت دانشگاه‌های علوم پزشکی کمکی به رفع این معضل نمی‌کند، ادامه داد: با افزایش دادن ظرفیت‌ها باز هم شاهد جذب بیشتر فرزندان اعضای هیأت علمی خواهیم بود.

نهمین قلب پروازی از تبریز به تهران منتقل شد



رئیس سازمان اورژانس کشور گفت: قلب خانم ۳۵ ساله از طریق اورژانس هوایی کشور از تبریز به تهران منتقل شد. این نهمین قلبی است که برای پیوند به صورت پروازی منتقل می‌شود. به گزارش ایرنا، پیر حسین کولیوند درباره انتقال نهمین قلب برای پیوند به صورت پروازی افزود: خانواده این خانم تبریزی که مرگ مغزی شده بود، قلب او را برای جان بخشیدن به بیمار نیازمند، اهدا کردند. قلب اهدا کننده، برای یک دختر ۱۲ ساله به بیمارستان شهید رجایی تهران توسط اورژانس هوایی منتقل شد. او ادامه داد: با هماهنگی انجام شده توسط سازمان اورژانس کشور، اداره پیوند وزارت بهداشت و آسپانه ریاست جمهوری، تیم مربوطه برای انجام عملیات انتقال قلب اهدایی ظهر روز گذشته ساعت ۱۲:۵۷ دقیقه از تهران به سمت تبریز پرواز کرده و ساعت ۱۳:۵۷ دقیقه عملیات جسداری قلب در بیمارستان امام رضاع) تبریز به تیم انتقال در فرودگاه تبریز تحویل داده شد و سپس تیم عملیات با پرواز جت فالکون به تهران رسید. کولیوند بیان کرد: با هماهنگی اورژانس تهران و تیم عملیات ویژه اورژانس، تیم عملیات انتقال قلب با بالگرد به بیمارستان شهید رجایی عزیمت کرد.